



شامل:
چستان
معما و سرگرمی
به الضمام
چستانهای مملی
از چهارگوشه ایران

چستان

گردآوری و تدوین:

محمدیونس رادفر

رادفر، محمدیونس، ۱۳۵۰ - ، گردآورنده.

چیستان: شامل چیستان معما و سرگرمی به انضمام چیستانهای محلی از چهارگوشه ایران /
گردآوری و تدوین محمدیونس رادفر. -- [ویرایش ۲] -- تهران: انتشارات انجام کتاب، ۱۳۸۰
۱۶۸ ص

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۱۶۵ - ۱۶۶.

۱. چیستان. ۲. معماها. الف. عنوان.

۳۹۸/۲

PN۶۳۷۷/ف۲۲

۱۳۸۰

۸۰-۱۳۴۵۱

کتابخانه ملی ایران
محل نگهداری:



انتشارات انجام کتاب

تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - خیابان شهید روانمهر - پلاک ۱۳۴
تلفن: ۶۶۴۷۵۱۷۴-۶۶۴۱۰۷۲۱

تهران: ۹۱۲ ۱۲۲ ۹۵۶۰

● چیستان

گردآوری و تدوین: محمد یونس رادفر

چاپ ششم: ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰ جلد

ISBN: 978-964-415-042-5

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۵-۰۴۲-۵

WWW.anjameketab.com
E-mail: info@anjameketab.com

قیمت ۱۸۰۰۰ تومان



مقدمه ۷

بخش اول: ۲۱
چیستان‌ها

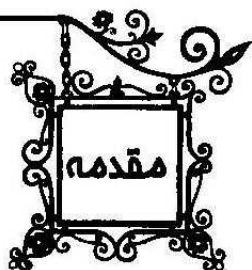
بخش دوم: ۹۱
معما و سرگرمی

بخش سوم: ۱۰۱
چیستانهای محلی از چهار گوشه ایران

(۱- آذربایجانی ۲- کردی ۳- بختیاری ۴- لری
۵- خراسانی ۶- شاهرویدی ۷- مازندرانی ۸- خیلانی ۹-
کرمانی ۱۰- راوری ۱۱- شیرازی ۱۲- کهگیلویه و
بویراحمدی ۱۳- گوناگون ۱۴- پهلوی)

بخش چهارم: ۱۴۵
پاسخها

فهرست منابع ۱۶۵



به نام خداوند جان و خرد
کز این برتر اندیشه بر نگذرد

فولکلور (Folklore) (ادبیات ملی یا عامیانه) شامل ترانه‌ها - امانل - اورها - افسانه‌ها - چیستان‌ها و... می‌باشد که از قرن‌ها پیش در فرهنگ و ادبیات زبان فارسی به یادگار مانده است. این دنیای عظیم ادبی و فرهنگی کشور کهن‌مان، سالهاست که سینه به سینه انتقال یافته و در واقع معیارها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی ما را می‌رساند، بی‌شک اهمیت آن نیز بر کسی پوشیده نبوده و نیست. چیستان‌ها خود بخشی از این میراث نیک گذشتگان می‌باشند.

چیستان که در عربی به آن لُغَز و «لُغَز» عربی بمعنی پیچیدگی باشد. و از این جهت است که چیستان را لُغَز می‌گویند که پیچیدگی دارد»^۱ و «با اصطلاح کلام و لغت موزون که دلالت کند بر ذات شیئی از اشیاء بذکر خواص و لوازم آن شیئی»^۲ چیستان یا «چیست آن» شعر یا نثر یا کلامی است که در آن با بیان نشانه‌ها و ویژگی‌ها و مشخصات چیز معینی و یا توصیف آن چیز (بی‌آنکه از آن

نامی برده شود) آنرا از شخص مقابل مورد پرسش قرار می‌دهند. و منظور از آن درواقع نوعی هوش آزمایی یا مسابقه بوده و چون اغلب با کلمه «چیست آن» آغاز می‌شود به آن «چیستان» می‌گویند.

اگر خواسته باشیم ریشه قدیمی‌ترین چیستان‌ها را بیابیم به زمان ساسانیان و قبل از آن برمی‌گردیم. در ادبیات پهلوی آن را «فرشن» Frashn گویند و «فرشن‌گزاری» گونه‌ای گفتگوست که در آن گوینده (یا پرسنده) خود از پیش پاسخ پرسش خویش می‌داند و آن پرسش چنان باید باشد که به نظر شنونده (یا پرسش‌شونده) شگفت آید.^۱

سأله پهلوی یوشت فریان که حاوی روایات کهن ایران باستان می‌باشد، نین آغاز می‌شود:

«چنین گفت که اندر آن زمان که آخت‌یاتوک با هفت بیور سپاه بسوی شهر فرشن‌گزاران شد و گفت شهر فرشن‌گزاران را زیر پای پیل با خاک یکسان کنم و چون آنجا رسید، مردمی خواست که از (سن) پانزده سالگی از آیین یزدان ناآگاه نباشد [تا] پرسش نکند و هر که نتواند بگزارد او را بگیرد و بکشد. اندر آن سه‌هر فرشن‌گزاران مردی بود بنام مهرسپند وی به آخت‌یاتوک گفت که شهر فرشن‌گزاران را زیر پای پیل با خاک یکسان نکن این مردم بیگناه را مکش چه درین شهر فرشن‌گزاران مردی هست بنام یوشت فریان که از پانزده سالگی از آیین یزدان ناآگاه نیست و هر چیستان ازو پرسشی بگزارد. پس آخت‌یاتوک به یوشت فریان پیغام فرستاد که به دربار من آی تا ازتو سی و سه چیستان پرسم، اگر پاسخ ندهی یا گویی ندانم، در



زمان ترا بکشم.... بر طبق رساله پهلوی، یوشت فریان سی و سه معمای آخت یاتوک را بدرستی پاسخ داد. ازو سه پرسش کرد و گفت اگر پاسخ ندهی ترا بکشم.... آخت یاتوک نتوانست پاسخ دهد... پس یوشت فریان آخت یاتوک را در زمان با کارد برسم چین به نیرنگ دینی بیکار کرد»^۱.

موضوع اصلی این داستان بر پایه طرح پرسش و پاسخ (چیستان) بین یوشت و آخت جادوگر بوده و باب چهارم مرزبان‌نامه یعنی «مناظره دیو گاوپای با دانای دینی» نیز داستان مشابه آن دارد.^۲ نمونه‌های دیگری نیز در کتب بزرگ و مشهور پهلوی مانند داستان منوی خرد مشهور می‌باشد.

همین‌طور در ادبیات داستانی، از قدیم‌ترین آثار چون سمک عیار، به رخدشت خورشیدشاه پسر مرزبان‌شاه حکمران حلب، برمی‌خوریم که عاشق دختر پادشاه چین به نام مه‌پری می‌شود و وی پرسشهایی (چیستان) از عاشقان خود می‌کند و هر کس از جواب عاجز می‌ماند او را می‌کشد و یا قصه شاهزاده خانم روم و شاه عبدالعلی دانشمند^۳ که این شاهزاده هم‌شماره از، واحدش پاسخ خواستگاران، به ده چیستان وی می‌باشد.

جدا از آنچه گفته شد تولد چیستان و پیدایش آن در جایگاه مستقل در ادبیات را بایستی، سرآغازش را اشعار توصیفی شاعران دانست. در قرن چهارم و پنجم وصف

۱. یوشت فریان و مرزبان‌نامه

۲. در کتاب فوق این دو حکایت توسط شادروان دکتر معین مورد بررسی قرار گرفته.

۳. شرح این داستان بنام «داستان دختر قیصر روم» به تصحیح محمدجعفر محبوب در مجله کاوش سال اول شماره اول ۱۳۳۹ ص ۴۹ آمده.

در شعر از مهمترین هنرنماییهای شاعران می باشد. شاعرانی چون رودکی، لیبی، دقیقی، فردوسی، فرخی، عنصری و منوچهری اشعار وصفی فراوان دارند. در این دوران اشکال گوناگون شعر و از جمله لغز رواج پیدا می کند. اشعاری در قالب قصیده و غزل که در آن شاعر به توصیف یک چیز معین با تشبیهات زیبا و دلنشین پرداخته مثل قصیده معروف منوچهری در وصف شمع:

ام نهاده در میان فرق جان خویشان
جسم ما زنده به جان و جان تو زنده به تن
گداز ای و کب چرا پیدا نگردی جز به شب
ور نه ای عاشق چرا گری می بر خویشان
کوکبی آری دین آسمان تست موم
عاشق آری، ولیکن هست معشوق لکن
پیرهن در زیر تن به تن پوشد هر کسی
پیرهن بر تن تو تن پوشی همه بر پیرهن
چون بمیری آتش اندر تر رسد زنده شوی
چون شوی بیمار گداز زنده از گردن زدن
آنچه من بر دل نهادم بر سرت بیم می
آنچه تو بر سر نه ای را دارد وطن

یا لغز ناصر خسرو در وصف قلم:

آن زرد تن لاغر گل خوار سیه سار
زرد است و چنین باشد گل خوار
همواره سیه سرش بپزند از ایراک
هم صورت مار است و بپزند سر مار
تا سرش نپوی نکند قصد برفتن
چون سرش بریدی برود سر بنگونسار

شاید این شکل اشعار و موارد مشابه دیگر منجر به



شناخت و پیدایش شاخه‌ای دیگر از فنون شعر یعنی لغز شده «از میان شعرای متقدم باید منوچهری - امیر معزی - عبدالواسع جبلی - جمال‌الدین اصفهانی - ناصر خسرو - حکیم مختاری - ادیب صابر را استاد در ساختن لغز و اشعار وصفی دانست»^۱. جایگاه و اهمیت خاص این صنعت ادبی تا جایی است که تقریباً در لابه‌لای اشعار اکثر شاعران چیستانهای زیبا فراوان به چشم می‌خورد:

چیست کز آن طبق همی تابد
چون ملحم زیر شعر عنابی
«رودکی»

اگر این چیستان تر کنه ایی گوی دانش ز مویدان ببری
«لیبی»

چیست آن لشکر فریشتگا که بیایند از آسمان پُران
«ناصر خسرو»

چیست آن گوهر که می‌زاید از آن دریا
صورت او در و لیکن، شش جزع کان
«ممد همکر»

چیست آن لعبت پری پیکر که گهی بدر و گهی هلاک بود
«جامی»

بدان تا بپرسند ازو چند چیز
سخنهای پوشیده در پرده نیز
بپرسید مر زال را مسودی
از آن تیزهش رای بسین بفرودی

که تا چيست آن ده و دو سروسهی
که رسته ست شاداب و بافرهی

«فردوسی»

چشم شه دو گز همی دید از لغز
چشم آن پایان نگر پنجاه گز

«مولوی»

نکته جالب توجه دیگر اینکه در بین شاعران خصوصاً
در انجمن‌ها و محافل ادبی یک شاعر با سرودن یک لغز
یا شعر از همتای شاعر خود خواسته، مانند این چيستان
از مه‌تی گمبوی.

آن دزد چون بد کرد بخانه درون شود
خازن بیم دزد ز روزن برون شود
خانه روان و دره را بخار خانگی
چون خانه رفت خانگی او را زبون شود
جواب این چيستان را حاج‌الدين مير محمد خطيب گنجه
اینگونه داده:

آخري زمان که طبع حکيمان نگون شود
سه صد حکيم مرجليم را زبون شود
آن دزد دام دان که طلبکار ماهی است
و آنخانه آب دان که ز روزن برون شود

مشابه این مشاعره در فرهنگ آذری بنام باغلاشماست:
«باغلاشما در زبان و فرهنگ آذری یعنی، بسته، بستن، باز
کردن. این اصطلاح اغلب در میان عاشیقها رایج بوده و
بدین صورت است که دو عاشق رودرروی هم قرار
می‌گیرند و با یکدیگر اشعاری را بصورت پرسش و پاسخ



مطرح می‌کنند و اگر یکی دیگری را مغلوب کرد می‌گویند فلان عاشیق را (باغلادی) یعنی حرفهایش را بست...^۱ اینگونه اشعار که از آن سخن رانیدیم خود سبب بوجود آمدن اشکال دیگری از چیستان و معما شد که ضمن دسته‌بندی مختصری شرح داده می‌شود.

۱- چیستان‌هایی که شاعران در قالب غزل - قصیده - رباعی و... سروده و در دیوان اشعار آنان موجود بوده که اغلب مردم عادی کمتر آنها را از حفظ می‌دانند.

۲- دسته دوم چیستانهایی که بصورت نثر بوده و بیشتر با سمات سرشتی نظیر (آن چیست) یا (آن کدام است) و... آغاز شدند و آنرا ساختن ذهن افراد بوده مانند: «آن چیست که همه آنرا دارند؟»

این چیستانها گاه از جملات کوتاه تشکیل شده و ابتدا بسیار عجیب و دور از ذهن بنظر می‌رسد و بعضی دارای نکته انحرافی و گمراه‌کننده می‌باشد که سنخ دیرتر به جواب اصلی دست یابد. مانند:

[آن چیست]: گاوش نراییده گوساله‌اش روی با؟!^۲

۳- دسته سوم چیستان‌هایی می‌باشند که بصورت ترانه‌های عامیانه از گذشته‌های دور سینه به سینه به ما انتقال یافته و مانند دسته دوم سراینده‌گانش نامعلوم



می‌باشد. این چیستانها در هر منطقه از کشور با گویش خاص همانجا بیان شده‌اند. مانند:

از دور دیدم ماه را
از دل کشیدم آه را
آن ترک تیرانداز را
برهم زده شیراز را

این چیستانها سالها مایه سرگرمی مردم در نشست‌های و اوقات فراغت و نوعی هوش آزمایی و امروزی به کودکان بوده است.

۲. در سنت چهارم معماهاست که خود بخشی از چیستانها می‌باشد. معما به معنی «پوشیده شده. به اصطلاح کلامی که در وجه صحیح دال باشد بر اسمی به طریق رمز و ایما که پسند طبع باشد. و در بعضی کتب چنین نوشته که معما به معنی بی‌دیده و بی‌نظر و در اصطلاح کلامی که دلالت کند بر رمز و ایما بر اسمی به طریق قلب یا تشبیه یا به حساب حیل یا به وجهی دیگر»^۱.

معما یک نوع لغز می‌باشد در قالب شعر و در آن منظوری نهفته که شاعر مقصود خود را با استفاده از صناعات ادبی نظیر «ابجد - قلب - تصحیف - کنایه - ایهام و...» بیان و معمولاً از حلش یک نام حاصل می‌شود. که تفاوتش با لغز نیز در همین است.

دکتر صفا قرن نهم را قرن تدوین علوم بلاغی و رواج



معما و همچنین معما را از انواع بسیار متداول در شعر فارسی و از وجوه اظهار مهارت و استادی در سخنگویی و یکی از طرق امتحان حدّث ذهن و سرعت انتقال می‌داند.

از شاعران آشنا به این فن می‌توان بدیع تبریزی صاحب کتاب الاحیاء فی حل المعما که در آن انواع معما و لغز مربوط به کلمات و ارقام و فنون مربوط به آنرا شرح می‌دهد. همچنین شرف‌الدین علی یزدی مؤلف کتاب حل مطرز یا حل مرز در فن معما و لغز و شاعر نامی جامی صاحب حلیه الحل و رساله دیگر در فن معما را نام برد. در تذکره شیرازی (شیراز محمد طاهر نصرآبادی) در بخش مهمی از آن نام گروهی از شاعران که به فن معما ماهر بوده‌اند با نمونه‌هایی از مآهائیشان آمده که معروفترین معما سرایان از امدهایش صاحب منظومه رساله فی المعما - میرحسین معمای صاحب دستور معما که وی در فن معما چنان مهارت داشته که «جامی می‌گفته اگر می‌دانستم ملا میرحسین معمای بهم می‌رسد، می‌خاستم گفتم»^۱ - ملاکمال بدخشی (که بغیر از معما شعری ننوشته نشده) - سید شریف معمای - ملا شهاب‌الدین حقیری - حسن شیرازی و... یاد کرد.

رواج معما در بین شاعران خصوصاً در قرن نهم که حاصل باریک‌اندیشی آنانست، تا آنجاست که بسیاری از آنها نام «معمای» برای خود تخلص می‌کردند. البته طرح معماهای بسیار مشکل که از حل آن تنها یک نام حاصل می‌شده، معلوم نیست چه فایده‌ای دربر داشته که آنهمه مورد توجه قرار گرفته است و هرچه پیش‌تر می‌رویم

معمایا دشوارتر و لاینحل‌تر شده‌اند و البته از حالت سرگرمی بودن هم خارجند زیرا رسیدن به جواب آن گاه بسیار وقت‌گیر و تقریباً بی‌فایده و خالی از لطف می‌باشد. بویژه آنکه جهت حل بایستی بسیاری از قواعد ادبی - ریاضی - نجوم و... را بخوبی بشناسید مانند این دو معما از تذکره نصرآبادی:

تصحیف قطره دایره گردد قرین اوج

گر ثور با مصحف جوزا شود قرین

پاسخ این معما «غیاث» می‌شود بدین ترتیب که قطر در ربع تقسیم محیط دایره بر عدد پی (۳/۱۴) بدست می‌آید حال اگر لفظ «دایره» را که به حساب ابجد «۲۲۰» است بر «۳/۱۴» تقسیم کنیم تقریباً «۷۰» که مطابق لفظ «ع» می‌باشد بدست می‌آید. و چون تصحیف آن «غ» می‌باشد. بر لفظ «اوج» که بحساب ابجد «۱۰» و مطابق «ی» قرین شود «غی» بدست خواهد آمد. اما در هجری دوم نشانه برج «ثور» در تقویم «الف» و نشانه «جوزا» «ث» است که تصحیف آن «ث» می‌شود و با اضافه کردن «الف» و «ث» به «غی» غیاث بدست می‌آید. همچنین در شرح یک معما و جذر در تذکره نصرآبادی آمده: «شخصی نقل می‌کرد که عارفی به نام شیخ بهاءالدین محمد در جایی نوشته بود اسمی از اسماء الهی هست که به هر قفلی بسته بخوانی و می‌شود و آن اسم را بر رمز ادا نموده است».

ای که هستی طالب اسرار رمز غامضات

اسمی از اسماء نافع با تو گویم گوش دار

اول و ثانیث جذر رابع و خامس بود

حرف مرکز جذر جمع دان ای هوشیار